

## رویکرد چین به سازمان همکاری شانگهای در پرتو سیاست خارجی

نویسنده این کشور (سالهای ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸)

سید داوود آقایی

استاد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران

محمدجواد قهرمانی\*

دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۰۷ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۰۶/۰۵)

### چکیده

کاهش رشد اقتصادی چین در سال‌های اخیر و برخی تحولات در نظام بین‌الملل همچون تلاش آمریکا برای تمرکز بر آسیا-پاسفیک موجب شد تا شی‌جین‌پینگ به دنبال پیگیری سیاست خارجی نوینی با ارائه مدل‌های نوین اقتصادی باشد. چین نمی‌خواهد در شرق آسیا در محاصره آمریکا قرار گیرد. این کشور برای تداوم رشد خود، طرح‌های جدیدی ارائه کرده است. نمونه‌های آشکار این ابتکارها را می‌توان «بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیایی» و «ابتکار یک کمربند یک جاده» دانست. این طرح‌ها و ایده‌های نوین به تحولاتی در رویکرد و سیاست چین در برابر منطقه آسیای مرکزی و همچنین سازمان همکاری شانگهای انجامیده است. بدین ترتیب، پرسش پیش روی این نوشتار این است که رویکردهای نوین چین چه تأثیرهایی بر رویکرد این کشور نسبت به سازمان همکاری شانگهای داشته است؟ در پاسخ، می‌توان گفت تحول در سیاست خارجی چین سبب شده است تا اقتصاد و در نتیجه تقویت بعد اقتصادی سازمان، اساس رویکرد پکن قرار گیرد. این اقتصادی شدن، موجب ایجاد اختلاف‌هایی با روسیه نیز شده که بیشتر به دنبال تقویت بعد امنیتی سازمان است. همچنین در کنار مبارزه با تروریسم، حفظ امنیت سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده با ابتکار «یک کمربند یک جاده» نیز اولویت بالایی یافته است. علاوه بر این، رویکرد نوین در سیاست خارجی چین در ابراز تمایل این کشور برای عضویت دائم ایران در این سازمان تأثیرگذار بوده است؛ البته عوامل دیگری نیز در این خصوص نقش آفرین بوده‌اند. روش نوشتار توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر آثار و نوشته‌ها و اسناد موجود است.

### کلیدواژه‌ها

اقتصاد، امنیت، ایران، چین، روسیه، سازمان همکاری شانگهای.

## مقدمه

جمهوری خلق چین به عنوان یکی از بنیان‌گذاران سازمان همکاری شانگهای و از اعضای فعال آن به شمار می‌رود. پس از فروپاشی اتحاد شوروی، پکن در کنار تلاش برای حل مسائل مرزی با کشورهای نواستقلال آسیای مرکزی، به دنبال مقابله با مسائل امنیتی مربوط به جدایی‌طلبی، افراط‌گرایی و تروریسم بود که در این دوره به چالش‌های مهمی برای این کشور تبدیل شده بودند. بنابراین از بنیان‌های مهم رویکرد چین به سازمان همکاری شانگهای مسائل امنیتی، به ویژه مسائل مربوط به امنیت در استان سین‌کیانگ بود؛ زیرا تسری افراط‌گرایی از کشورهای آسیای مرکزی می‌توانست این کشور را با چالش داخلی جدی روبه‌رو کند. البته در کنار این مسئله، نگاه به آینده و تلاش برای همکاری با پیرامون و لزوم تأمین نیازهای مختلف منطقه‌ای به صورت مستقل و همچنین، تلاش برای محدود ساختن حضور و نفوذ آمریکا در آسیای مرکزی، اهمیت وجود یک سازمان منطقه‌ای برای تأمین این خواسته‌های چین را به خوبی آشکار ساخت.

پس از روی کار آمدن شی‌جین‌پینگ در سال ۲۰۱۳ که با به کارگیری رویکردهای فعال در سیاست خارجی همچون تأسیس نهادهای چندجانبه جدید، حضور فعال‌تر در مناطق پیرامونی، راهبرد حرکت به سوی غرب و طرح‌های اقتصادی و مالی جدید همراه بوده است، لزوم بررسی تغییرکردن یا تغییر نکردن رویکرد این کشور به سازمان شانگهای و چگونگی آن را ضروری ساخته است. بنابراین این پرسش مطرح می‌شود که در پرتو مبانی و جهت‌گیری‌های جدید در سیاست خارجی چین که متضمن رویکرد فعال‌تر این کشور در محیط پیرامونی آن بوده است، چه تغییرهایی در جهت‌گیری آن نسبت به سازمان همکاری شانگهای ایجاد شده است؟ در این نوشتار، ضمن بررسی ریشه‌های جهت‌گیری چین نسبت به سازمان شانگهای، تلاش می‌شود تا جهت‌گیری‌های نوین این کشور در ابعاد اقتصادی، امنیتی و همچنین نوع رابطه با روسیه در چارچوب سازمان در نتیجه مبانی و جهت‌گیری نوین در سیاست خارجی بررسی شود. بدین ترتیب، برای پاسخ‌گویی به این پرسش، ابتدا به چارچوب نظری واقع‌گرایی نوکلاسیک و ارتباط آن با نوشتار حاضر می‌پردازیم. سپس در گام دوم، ریشه‌های عضویت چین و هدف‌های سنتی این کشور را در زمان تأسیس سازمان همکاری شانگهای ارزیابی می‌کنیم. در گام بعد، اصول و بنیان‌های سیاست خارجی نوین چین پس از روی کار آمدن شی‌جین‌پینگ را تحلیل می‌کنیم. سپس، به تأثیرهای این رویکرد بر سیاست چین در برابر آسیای مرکزی می‌پردازیم. به سبب الزام‌های محیطی و تلاش رهبران چین برای تغییر مدل رشد اقتصادی، رویکرد چین به آسیای مرکزی و به تبع آن سازمان همکاری شانگهای تحول‌هایی به خود دیده است. پس از آن

رویکرد پکن به سازمان شانگهای متأثر از سیاست خارجی نوین این کشور تبیین خواهد شد. سرانجام ارزیابی نهایی نوشتار مطرح می‌شود.

### چارچوب نظری؛ واقع‌گرایی نوکلاسیک

از نظریه‌های مطرح شده در روابط بین‌الملل، واقع‌گرایی نوکلاسیک است که در چارچوب مکتب واقع‌گرایی بوده و بسیاری از فرض‌ها یا اصول اساسی آن همچون اولویت دولت‌ها، قطعیت‌نداشتن یا وضعیت آنارشی نظام بین‌الملل را می‌پذیرد؛ اما تلاش می‌کند نقص‌های گرایش‌های پیشین به‌ویژه واقع‌گرایی ساختاری را برای تبیین سیاست خارجی دولت‌ها رفع کند. برخلاف واقع‌گرایی ساختاری که بر سطح سیستم متمرکز است، واقع‌گرایی نوکلاسیک تلاش می‌کند ضمن ترکیب متغیرهای ساختاری و سطح واحد، به‌عنوان متغیرهای میانجی، سیاست خارجی را تحلیل و تبیین کند (Schweller, 2000: 174). این شاخه نظری استدلال می‌کند که دامنه و هدف‌های سیاست خارجی یک کشور اول و پیش از همه نشئت‌گرفته از جایگاه آن‌ها در نظام بین‌الملل به‌واسطه قابلیت‌های قدرت مادی نسبی آن‌ها است؛ اما در کنار آن فشارهای سیستمی باید از راه متغیرهای مداخله‌گر<sup>۱</sup> در سطح واحد برگردانده شوند. از این نظر است که آن‌ها نوکلاسیک خوانده می‌شوند. بنابراین فشارها و محرک‌های سیستمی ممکن است جهت کلی سیاست خارجی را شکل دهند، بدون اینکه بتوانند جزئیات دقیق رفتار دولت‌ها را تعیین کنند (Rose, 1998: 146-147).

نظریه‌پردازانی که بر این گرایش نظری تمرکز کرده‌اند بر متغیرهای مختلفی تأکید کرده‌اند. ادراک رهبران، ایدئولوژی، ارتباط دولت و جامعه، اقتصاد، ملی‌گرایی و... از متغیرهایی هستند که نویسندگان مختلف از آن‌ها استفاده کرده‌اند. در این نوشتار با در نظر داشتن عامل اقتصادی در سیاست خارجی چین، رویکرد این کشور در برابر سازمان همکاری شانگهای بررسی می‌شود. به بیان دیگر، ضمن تأکید بر اینکه متغیر ساختاری عامل مهمی در جهت‌گیری چین به‌شمار می‌رود، تأکید می‌شود عامل اقتصاد و تغییر مدل اقتصادی چین که به طرح ایده‌ها و جهت‌گیری‌های نوینی در سیاست خارجی این کشور انجامیده است بر سیاست پکن در آسیای مرکزی و سازمان همکاری شانگهای تأثیرهای جدی برجای گذاشته است. بنابراین می‌توان گفت، تأثیر گسترده عامل اقتصاد که به تلاش چین برای حفظ ثبات در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی منجر شده است، بنیان سیاست خارجی نوین این کشور و عاملی مهم در جهت‌گیری چین نسبت به سازمان همکاری شانگهای در دوره مورد بررسی در نوشتار پیش‌رو یعنی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸ است.

#### 1. Intervening Variables

### هدف‌های سنتی چین در سازمان همکاری شانگهای

راهبرد چین برای تأسیس سازمان همکاری شانگهای بسیار عمل‌گرایانه بوده است. هدف‌هایی چون حل موضوع‌های مرزی، تأمین انرژی، امنیت و اعتماد متقابل با دولت‌های همسایه، همه از عناصر این راهبرد بوده‌اند. همچنین، موفقیت چین در ایجاد تصویر مثبت از سازمان همکاری شانگهای، ایجاد ثبات در سین کیانگ، تبت و دولت‌های عضو این سازمان، حفظ و افزایش روابط نزدیک با روسیه و افزایش ارتباط‌های فرهنگی و تجاری درون منطقه‌ای، زمینه‌رهدری چین در سازمان همکاری شانگهای را فراهم می‌آورد (Szanajder, 2006: 93-102). در مجموع می‌توان هدف‌های چین در تأسیس سازمان همکاری شانگهای و حمایت از توسعه آن را در این موارد جست‌وجو کرد:

- از مهم‌ترین انگیزه‌ها و محرک‌های چین در تأسیس سازمان همکاری شانگهای نگرانی‌های امنیتی بوده است. با رویارویی با رشد بنیادگرایی اسلامی و خطری که برای امنیت داخلی چین ایجاد می‌کند، پکن همکاری بیشتر با دولت‌های آسیای مرکزی برای جلوگیری از فعالیت سازمان‌های تروریستی در این کشورها، که با جدایی‌طلبان سین کیانگ در ارتباط هستند را ضروری می‌داند. از سوی دیگر، روسیه به عنوان قدرت بزرگ عضو سازمان نیز چنین نگرانی‌های امنیتی دارد که زمینه‌ساز همکاری این کشور با چین و دیگر دولت‌های عضو برای مقابله با آن‌ها شده است. حضور برخی گروه‌های اسلامی تندرو در چین و جمهوری‌های قفقاز شمالی و آسیای مرکزی موجب ایجاد نگرانی‌های امنیتی در میان رهبران این کشور شده است. در نتیجه، همکاری با چین به منظور ثبات‌سازی در آسیای مرکزی از بهترین گزینه‌های این کشور بوده است (Hu, 2004: 137-138).

- دومین بعد مهم دیپلماسی چین در برابر این سازمان، مربوط به روابط اقتصادی به‌ویژه در بخش انرژی بوده است. تا سه دهه اول روی کارآمدن جمهوری خلق چین، مسائل انرژی اهمیت اندکی در ارزیابی‌های امنیتی و راهبردی پکن داشت؛ اما با رشد اقتصادی فزاینده، نیاز این کشور به منابع عظیم به‌ویژه انرژی و مواد خام نیز رو به فزونی نهاد. از نیمه دهه ۱۹۹۰ چین به دنبال منابع نفتی و دیگر منابع انرژی در آفریقا، آمریکای لاتین، خاورمیانه و آسیای مرکزی بوده است. در نتیجه، این دیپلماسی جدید به عنصر سازنده سیاست خارجی چین در قرن جدید تبدیل شد (Choo, 2008: 90-103). برای تأمین و متنوع‌سازی دستیابی به منابع انرژی فراسوی دریاها، چین آسیای مرکزی را یکی از مناطق راهبردی برای شرکت‌های نفتی خود به حساب می‌آورد (Hu and Cheng, 2007: 47). بر این اساس، یک سازمان منطقه‌ای می‌توانست همکاری‌ها در این حوزه را افزایش دهد.

- علاوه بر دو موضوع بالا، به نظر می‌رسد رهبران چین در زمان تأسیس سازمان همکاری شانگهای بر این باور بودند که این سازمان می‌تواند در آینده، میدانی برای تلاش در جهت نقش رهبری این کشور در منطقه باشد. برای دستیابی به این هدف، پکن باید بکوشد تا کارویژه‌های این سازمان را از مسائل امنیتی به همکاری اقتصادی گسترش دهد، نهادینه‌سازی آن را تسهیل کند و شرایط توسعه<sup>۱</sup> آن را فراهم کند (Yuan, 2010: 862). تحلیل‌گران چینی استدلال می‌کنند که این سازمان فرایند گفت‌وگو و مشورت بر پایه برابری طرف‌ها و سازوکارهایی برای افزایش همکاری منطقه‌ای در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی را نشان می‌دهد. این مسئله می‌توانست علاوه بر دستاوردهای عینی، قدرت گفتمان‌سازی چین را نیز افزایش دهد.

### سیاست خارجی نوین چین

دوره شی جین پینگ را می‌توان سرآغاز عصر جدیدی در سیاست خارجی چین دانست. اگر تا پیش از این و از آغاز روند روابط سازنده با جهان بیرون در عصر دنگ شیائوپینگ رهبران چین به دنبال حرکت با «چراغ خاموش»<sup>۲</sup> بودند در عصر جدید یعنی از سال ۲۰۱۳ به بعد تحولی شگرف در این حوزه ایجاد شد. بدین گونه، چین در عرصه نظام بین‌الملل نسبت به گذشته فعال‌تر شده است. البته این به معنای گسست از گفتمان ظهور مسالمت‌آمیز، به‌عنوان گفتمان غالب سیاست خارجی چین نیست. بخشی از این موضوع ناشی از الزام‌های جدید در محیط بین‌المللی و رشد اقتصادی این کشور بوده است که در ادامه به این دو مسئله می‌پردازیم:

۱. **تغییرها در محیط بین‌المللی:** افزایش قدرت چین در ابعاد مختلف می‌تواند پیامدهای مهمی برای نظام بین‌الملل در پی داشته باشد. آمریکا نیز با درک این مسئله تلاش کرده است تا تمرکز خود بر آسیا پاسیفیک را افزایش دهد. تجلی بارز این مسئله، اعلام سیاست «تغییر جهت به سوی آسیا»<sup>۳</sup> توسط دولت باراک اوباما در سال ۲۰۱۱ بود که بر افزایش حضور آمریکا در آسیا پاسیفیک و تقویت نظام اتحادی این کشور در این منطقه مبتنی بوده است و آن‌گونه که برخی پژوهشگران و سیاست‌مداران اعتقاد دارند سیاستی در راستای مهار چین به‌شمار می‌رفت. برخی پژوهشگران این راهبرد را تغییری واقع‌گرایانه و مبتنی بر هزینه - فایده در سیاست خارجی آمریکا می‌دانند (Kay, 2013: 8-17).

1. Expansion  
2. Low Profile  
3 Asia Pivot

این جهت‌گیری کلان ایالات متحد به دو تغییر مهم در سیاست خارجی چین منجر شده است. از یک‌سو، این کشور برای جلوگیری از محاصره‌شدن از سوی آمریکا و متحدان آن تغییرهایی را در سیاست خارجی خود در شرق آسیا ایجاد کرده است. می‌توان بخشی از سیاست خارجی چین به‌ویژه افزایش ادعاهای خود در دریای چین جنوبی یا اعلام «منطقه شناسایی دفاع هوایی»<sup>۱</sup> در دریای چین شرقی در سال ۲۰۱۳ و... را به‌نوعی موازنه در برابر آمریکا دانست. از سوی دیگر، چین به‌منظور تقابل‌نداشتن با آمریکا در مناطق شرقی خود و افزایش نفوذ در مناطق غربی که نفوذ آمریکا در حال کاهش است، تلاش کرده است بخشی از تمرکز خود را در مناطق غربی خود قرار دهد. در این زمان شاهد حضور بیشتر چین در مناطقی چون آسیای مرکزی، جنوب آسیا، خاورمیانه بوده‌ایم.

**۲. الزامات رشد اقتصادی:** اقتصاد چین از ابتدای دهه جدید کاهش رشد چند درصدی را تجربه کرده است. بنابراین، از این زمان پیگیری مدل و طرح‌های نوین با هدف تداوم رشد اقتصادی برای این کشور به امری ضروری تبدیل شده است. بنابراین، از این زمان پیگیری مدل جدید و ایجاد طرح‌های جدید با هدف تداوم رشد اقتصادی برای این کشور ضروری می‌نماید. شایان توجه اینکه کشورهای متعددی به‌ویژه در آسیا و آمریکای لاتین تا این مرحله از رشد چین را پشت سر گذاشته‌اند، اما با «تله درآمد متوسط»<sup>۲</sup> روبه‌رو شده‌اند که موجب توقف رشد اقتصادی آن‌ها شده است (Morrison, 2018: 7). در شرایط کنونی در نتیجه تغییر جهت‌گیری رشد اقتصادی از رشد اقتصادی «صادرات محور»<sup>۳</sup> به سوی الگوی رشد اقتصادی مبتنی بر «اولویت مصرف داخلی» و «سرمایه‌گذاری در خارج»<sup>۴</sup> سیاست خارجی پکن نیز با تغییرهایی روبه‌رو بوده است. در عرصه سیاست خارجی، این کشور علاوه بر تلاش برای حفظ یا تقویت روابط اقتصادی با آمریکا و متحدان آن و کشورهای پیرامونی، به دنبال ایجاد طرح‌های اقتصادی جدید بوده است که بتواند شرکت‌های چینی را به سرمایه‌گذاری در خارج سوق دهد. این مسئله در نتیجه توانایی مالی پکن، همچنین با هدف افزایش قابلیت رقابتی شرکت‌های چین در عرصه بین‌المللی بوده است. این دو مورد محرک‌های چین در فعال‌تر شدن هرچه بیشتر در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی بوده‌اند. ایجاد طرح‌هایی چون بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیایی، موافقت‌نامه مشارکت جامع اقتصادی، «ابتکار یک کمربند یک جاده»<sup>۵</sup> نمونه‌های بارز تلاش‌های چین برای تداوم رشد اقتصادی خود است. تجلی بارز تغییرها در سیاست خارجی چین که بیشتر متأثر از تلاش این کشور برای حفظ رشد اقتصادی هستند را

1. Air Defence Identification Zone
2. Middle Income Trap
3. Export Oriented
4. Going Out

می‌توان در این موارد جست‌وجو کرد. البته، باید اشاره کرد گرچه برخی از این شاخص‌ها به شکل مستقیم به عامل اقتصاد مرتبط نیستند؛ اما برای حفظ ثبات در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی که لازمه رشد اقتصادی است، ضروری هستند.

#### الف) طرح مفاهیم و ایده‌های جدید نشانگر تعهد به توسعه مسالمت‌آمیز

شی‌جین پینگ در این دوره با طرح مفاهیمی چون «دیپلماسی جدید قدرت بزرگ با مشخصه‌های چینی»، «مدل جدید روابط قدرت‌های بزرگ»<sup>۱</sup> و «اجتماع با مقصد مشترک»<sup>۲</sup> دو هدف مهم را دنبال می‌کند: ۱. خواهان به رسمیت شناخته شدن جایگاه چین به عنوان یک قدرت بزرگ در نظام بین‌الملل است که آمادگی و توان پذیرش مسئولیت را دارد. بر این اساس، پکن تعهد خود به رفتار به عنوان بازیگری مسئول در جامعه بین‌المللی برای تأمین کالاهای عمومی همچون حفاظت از محیط زیست و حفظ صلح را افزایش داده است (Esteban, 2017: 3-7). ۲. با تصدیق رشد چین در نظام بین‌الملل خواهان ارائه مدلی جدید از روابط میان قدرت‌های بزرگ است که برخلاف گذشته به جنگ ختم نمی‌شود. این مسئله برای مقابله با غلبه گفتمان «دام توسیدید» ضرورت دارد که می‌تواند پیامدهای ناگواری برای تداوم رشد چین داشته باشد. در واقع، از مهم‌ترین هدف‌های شی‌جین پینگ ارائه گفتمانی چینی است که در آن به ضرورت ظهور قدرتی جدید به رویارویی با قدرت مسلط موجود نمی‌انجامد (Ku, 2015: 24-25). در اصل، برخلاف اتحاد شوروی که آیین امنیتی آن مبتنی بر تقابل با غرب و مبارزه ایدئولوژیک استوار بود، در مرکز آیین امنیتی چین، اقتصاد قرار دارد (Li, 2016: 8). در نتیجه، از نگاه رهبران چین، شروع تقابل جدی با آمریکا می‌تواند مانعی جدی در ادامه قدرت‌یابی چین باشد.

#### ب) طرح‌های چندجانبه جدید

از تحول‌های اساسی که ریشه در وضعیت جدید اقتصادی چین دارد ابتکارهای جدید اقتصادی و چندجانبه بوده است. نمونه این نهادها را می‌توان مشارکت جامع اقتصادی منطقه‌ای،<sup>۳</sup> بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیایی و ابتکار یک کمربند یک جاده را نام برد که در ادامه به هریک می‌پردازیم:

۱. بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیایی: این بانک در سال ۲۰۱۳ به عنوان یکی از تحول‌های اقتصادی مهم در سیاست خارجی چین مطرح شد. بسیاری از متحدان آمریکا با وجود مخالفت‌های این کشور به عضویت آن درآمدند. به گونه‌ای که برخی تحلیل‌گران از آن

1. New Great Power Relations  
2. Community with Common Target  
3. RCEP

به‌عنوان نهادی یاد کردند که تأثیرهای ژئوپلیتیکی اساسی در سطح جهان برجای گذارده و در آینده نیز احتمال دارد تداوم یابد (Renard, 2015: 4-5).

۲. **مشارکت جامع اقتصادی منطقه‌ای:** مشارکت جامع اقتصادی منطقه‌ای نتیجه همگرایی دو طرح برای ادغام منطقه‌ای بوده است. یکی حوزه تجارت آزاد شرق آسیا<sup>۱</sup> که در سال ۲۰۰۱ مطرح شد و دیگری مشارکت جامع اقتصادی در شرق آسیا<sup>۲</sup> بود که در سال ۲۰۰۶ توسط ژاپن مطرح شد (Kim, 2015: 14). این طرح در اصل به رهبری چین شناخته می‌شود و توازن نهادی می‌تواند دلیل‌های حمایت پکن از آن را توضیح دهد.

۳. **ابتکار یک کمربند یک جاده:** از طرح‌های اساسی در پنج سال گذشته شی جین پینگ، «ابتکار یک کمربند یک جاده» بوده است. این طرح بیشتر در نتیجه راهبرد «حرکت به سوی غرب»<sup>۳</sup> بوده است. راهبرد حرکت به سوی غرب در اصل به این دلیل بوده است که با توجه به افزایش حضور آمریکا در شرق آسیا و احتمال افزایش رقابت‌ها، چین خواهان افزایش حضور خود در مناطق غربی خود بوده است که بیشتر می‌تواند محل همکاری با آمریکا باشد (Yun, 2013).

### ج) گسترش روابط اقتصادی با کشورهای همسایه

از مسائل مهم سیاست خارجی چین در دوره شی جین پینگ تقویت روابط اقتصادی با کشورهای پیرامونی است. بخشی از این گسترش روابط از راه نهادهای چندجانبه بوده است و بخشی از گسترش روابط نیز به صورت دوجانبه بوده است. به‌گونه‌ای که در حال حاضر چین شریک اول تجاری بسیاری از کشورهای منطقه‌ای از جمله متحدان آمریکا به‌شمار می‌رود.<sup>۴</sup> پکن با آگاهی از وضعیت موجود منطقه‌ای به‌دنبال تأثیرگذاری بر ملاحظه‌های تصمیم‌گیرندگان این کشورها بوده است. روابط تجاری چین با کره جنوبی، ژاپن و استرالیا به‌عنوان متحدان مهم آمریکا در این منطقه روندی رو به افزایش داشته است. در روابط با کشورهای آسیای جنوب شرقی نیز پکن گرچه تلاش کرده آن‌ها را وارد نهادهای چندجانبه با محوریت خود کند؛ اما در همان حال به‌دنبال این بوده تا از راه گسترش روابط دوجانبه با آن‌ها، اتحاد و اجماع موجود در آسه‌آن را از بین ببرد.<sup>۵</sup> از سوی دیگر، چین تلاش کرده است تا روابط اقتصادی خود با پاکستان

1. East Asia Free Trade Area (EAFTA)

2. Comprehensive Economic Partnership in East Asia (CEPEA)

3. March to West

۴. به باور شی جین پینگ «چین نیاز دارد تا روابط خود با کشورهای مختلف را توسعه دهد و روابط دوستانه خود با کشورهای همسایه را تحکیم و همکاری سودمند متقابل با این کشورها را تعمیق کند (Xi, 2013).

۵. از نشانه‌های مهم این تعامل جدید، اعلامیه نشست آسه‌آن در فیلیپین بوده است که در آن از نظامی کردن دریای چین جنوبی توسط چین سخنی به میان نیامده است. این تغییر بزرگ نسبت به اعلامیه سال پیش به رهبری لائوس



را نیز گسترش دهد. نمود آشکار این گسترش روابط راهبردی اقتصادی چین - پاکستان بوده است. گسترش روابط تجاری با پاکستان می‌تواند ضمن افزایش نقش آفرینی پکن در تحول‌های آینده افغانستان، محوری را در برابر محور هند- آمریکا ایجاد کند. در این زمینه، باید به روابط اقتصادی پکن با کشورهای آسیای مرکزی نیز اشاره کرد که در پی ایجاد «راه ابریشم جدید» فراتر از صرف واردات انرژی حرکت کرده است.

### پیامدهای رویکرد نوین چین برای سیاست خارجی این کشور در آسیای مرکزی

ایجاد برخی تغییرهای مهم در سیاست خارجی چین، پیامدهای مهمی برای سیاست خارجی این کشور در برابر منطقه آسیای مرکزی داشته است. در صورتی که چین بخواهد روند افزایش قدرت خود را تداوم بخشد حضور در آسیای مرکزی برای این کشور اهمیت زیادی دارد. برای نمونه، ابتکار «یک کمربند یک جاده» ضمن برجسته‌تر کردن اهمیت این منطقه در سیاست خارجی پکن، به‌ویژه در بعد اقتصادی و همچنین نقش پیونددهندگی این منطقه، لزوم حفظ ثبات در این منطقه را ضروری می‌سازد.

۱. اهمیت یافتن فزاینده و بیش از پیش آسیای مرکزی در سیاست خارجی چین: تمرکز بیشتر آمریکا در شرق آسیا و وضعیت رشد اقتصادی چین پیامدهای مهمی برای سیاست خارجی چین در پی داشته است. از مهم‌ترین مناطق متأثر از سیاست خارجی نوین چین، آسیای مرکزی است. حضور در آسیای مرکزی می‌تواند از برخورد دو کشور چین و آمریکا در شرق آسیا جلوگیری کند. همچنین، چین در صورتی که بخواهد حضور و نفوذ خود در مناطق مختلف و در نتیجه قدرت و جایگاه خود در نظام بین‌الملل را افزایش دهد آسیای مرکزی ضمن تأمین منابع لازم می‌تواند دروازه این کشور به سایر مناطق جهان باشد. بنابراین، در رقابت بر سر منابع قدرت جهانی آسیای مرکزی برای چین اهمیت زیادی دارد. از سوی دیگر، وضعیت اقتصادی نوین این کشور که یکی از بنیان‌های آن مدل «سرمایه‌گذاری در خارج» است، لزوم حضور شرکت‌های چینی در خارج از این کشور را ضروری ساخته است. منطقه آسیای مرکزی می‌تواند مکان مناسبی برای حضور این شرکت‌ها باشد تا ضمن دستیابی به توان رقابتی، بتوانند در بازارهای جهانی حضور بیشتری داشته باشند. راهبرد «حرکت به سوی غرب» چین نیز بر همین مبنا طراحی شده است. ابتکار «یک کمربند یک جاده» مهم‌ترین نمود سیاست نوین چین در آسیای مرکزی است و الگوی تعاملات اقتصادی چین را از صرف واردات انرژی

---

بود که در آن آمده است برخی کشورهای منطقه‌ای از ادعاهای مرزی و افزایش فعالیت‌های چین در آب‌های مورد مناقشه نگرانند (Zhou, 2017).

از این منطقه و صادرات کالا فراتر برده و موجب حضور بیشتر شرکت‌های چینی در این کشورها خواهد شد.

**۲. لزوم حفظ ثبات در منطقه:** امروزه نیز اگرچه همچنان این مسئله بنیان نگرانی چین در آسیای مرکزی است، اما با افزایش حضور اقتصادی چین در این منطقه لزوم حفظ امنیت سرمایه‌گذاری‌های این کشور نیز به یکی از خواسته‌های اساسی پکن تبدیل شده است. تلاش برای افزایش پیوندهای امنیتی با کشورهای منطقه به شیوه‌های مختلف، چه به صورت فروش تسلیحات و چه انجام مانورهای مشترک را می‌توان در این زمینه ارزیابی کرد. علاوه بر این، تصمیم ایالات متحده به کاهش حضور در این منطقه و افزایش خطر داعش به ویژه هم‌زمان با شکست‌های این گروه در عراق و سوریه لزوم مقابله با گسترش تروریسم را ضروری می‌سازد.

### رویکرد نوین چین به سازمان همکاری شانگهای

از سال ۲۰۱۰ به بعد رشد اقتصادی چین روند نزولی به خود گرفت. به این ترتیب، درپیش گرفتن رویکرد نوین اقتصادی برای تداوم رشد، ضروری شد. در این دوره، همچنین ایالات متحده با درک قدرت‌یابی فزاینده چین با توجه به راهبرد «تغییر جهت‌گیری به سوی آسیا» تلاش کرد تا حضور خود را به شکل‌های مختلف افزایش دهد. در چنین شرایطی، رویکردهای نوین سیاست خارجی چین سبب می‌شود تحولاتی در نوع رویکرد چین به منطقه آسیای مرکزی و سازمان همکاری شانگهای نیز صورت گیرد. این تحولات را می‌توان به این شرح دانست:

**۱. برجسته‌تر شدن عامل اقتصاد در رویکرد چین به سازمان همکاری شانگهای:** از مسائلی که در نتیجه سیاست خارجی نوین چین پدید آمده است، برجسته‌تر شدن عامل اقتصاد در رویکرد پکن به سازمان شانگهای است. البته این بدان معنا نیست که تاکنون این عامل در رویکرد چین نسبت به شانگهای تأثیرگذار نبوده است. از زمان تأسیس سازمان شانگهای بیشتر روابط اقتصادی چین در قالب سازمان شانگهای بر مبنای الگوی واردکردن مواد خام و صادرات کالا یعنی الگوی حاکم بر روابط کشورهای رشدیافته با کشورهای توسعه‌نیافته بوده است؛ اما تحولات اخیر چین سبب شده است تا این کشور به دنبال ارتقای نقش اقتصادی سازمان شانگهای باشد. این مسئله نمودهای مختلفی دارد:

الف) پکن می‌خواهد که سازمان همکاری شانگهای نقشی مشابه با دیگر نهادهای اقتصادی تازه تأسیس این کشور همچون بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیایی، یعنی عمل به عنوان چارچوبی برای اجرای طرح‌های اقتصادی کلان این کشور ایفا کند. برای نمونه، در سندی که در سال ۲۰۱۵ در خصوص ابتکار «کمربند، جاده» منتشر شد سه بخش مطرح شده است: ۱.

چارچوب مفهومی در خصوص پیوند سرزمینی از راه راهروهای حمل‌ونقل است؛<sup>۲</sup> دربرگیرنده پنج حوزه همکاری مهم همچون هماهنگی «ابتکار یک کمربند یک جاده» با طرح‌های توسعه ملی است؛<sup>۳</sup> معرفی شبکه سازوکارهای همکاری است که در آن علاوه بر بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیایی یا «صندوق راه ابریشم»<sup>۱</sup> از سازمان همکاری شانگهای نیز نام برده شده است (Lin, 2017: 3).

ب) چین با ارائه پیشنهادهایی مبنی بر تأسیس نهادهای اقتصادی زیرمجموعه سازمان شانگهای به دنبال ارتقای کارویژه اقتصادی این سازمان بوده است. پکن پیشنهادهایی چون «بانک توسعه منطقه‌ای» یا ایجاد «منطقه تجارت آزاد» را مطرح کرده است که بیشتر به سبب رویکرد حمایت‌گرایانه اعضای شانگهای با موافقت آن‌ها روبه‌رو نشده است. برای نمونه، مسکو درباره «بانک منطقه‌ای» شرایطی را مطرح کرد که می‌دانست پکن آن‌ها را نمی‌پذیرد. روسیه از چین درخواست کرد که به «بانک توسعه اوراسیا»<sup>۲</sup> بپیوندد که در آلماتی قرار دارد و مسکو ۶۵/۷ درصد از موجودی آن را دارد (Gabuev, 2017).<sup>۳</sup>

پ) چین به سبب قدرت اقتصادی خود به دنبال تقویت نقش رهبری خود در مسائل منطقه‌ای است. در شرایط کنونی، با افزایش حضور اقتصادی چین، این سازمان می‌تواند در کنار سایر نهادهای اقتصادی که این کشور در آن‌ها نقش محوری دارد در قاعده‌مند کردن و هنجارسازی اقتصادی نوین به‌عنوان قدرتی نوظهور نقش‌آفرین باشد. اگرچه به سبب حضور روسیه یا هند به‌عنوان یک قدرت بزرگ با چالش‌های بیشتری روبه‌رو خواهد بود.

## ۲. تحول در رویکرد امنیتی چین نسبت به کارویژه‌های سازمان همکاری شانگهای: پس

از پایان جنگ سرد، دستور کار امنیتی چین در جهان پس از جنگ سرد که به دنبال حل اختلاف‌های خود با کشورهای پیرامون خود بود، همچنین خطرهای ناشی استقلال‌طلبی و افراط‌گرایی در داخل یعنی استان سین‌کیانگ سبب شد این کشور به‌سوی تأسیس سازمان همکاری شانگهای حرکت کند. امروزه نیز این مسئله همچنان یکی از نگرانی‌های مهم امنیتی چین است که پیش‌برنده بخش مهمی از سیاست‌های چین در برابر آسیای مرکزی و سازمان شانگهای است. در حال حاضر این دو تغییر اساسی در رویکرد امنیتی چین به سازمان همکاری شانگهای صورت گرفته است:

---

### 1. Silk Road Fund

### 2. Eurasian Development Bank

۳. شی‌جین‌پینگ در نشست ۲۰۱۷ سازمان اظهار داشت که چین به دنبال راه‌هایی برای ایجاد همکاری و پیوند میان «طرح یک کمربند یک جاده» با طرح‌های همکاری منطقه‌ای همچون اتحادیه اقتصادی اوراسیا و راهبردهای توسعه‌ای ملی کشورها است و سازمان همکاری شانگهای ممکن است به‌عنوان سکویی بدین منظور عمل کند. این سخنان بخشی از صحبت‌های شی در نشست ۲۰۱۷ سازمان بوده است (Xi, 2017).

الف) امروزه در نتیجه تغییر در رویکردهای سیاست خارجی چین که پیشتر توضیح داده شد حفظ امنیت سرمایه‌گذاری‌ها و طرح‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی نیز به دغدغه امنیتی مهم چین تبدیل شده است. بنابراین این مسئله سبب تقویت و افزایش روابط امنیتی چین با کشورهای آسیای مرکزی شده است. نمود آشکار این موضوع را می‌توان در مانورهای نظامی مشترک و همچنین فروش تسلیحات به این کشورها مشاهده کرد. این مسئله سبب می‌شود سازمان شانگهای چارچوب مناسبی برای پیشبرد این موضوع به شمار آید.

ب) در نتیجه تغییر جایگاه چین در نظام بین‌الملل و اعلام سیاست مبتنی بر خروج یا کاهش حضور از سوی آمریکا در منطقه، پکن در حوزه امنیتی شانگهای را تأمین‌کننده کالایی عمومی<sup>۱</sup> می‌داند که آمریکا در آینده آن را تأمین نخواهد کرد. به بیانی، چین، سازمان همکاری شانگهای را ابزار مناسبی برای انتخاب رویکرد مصون‌سازی<sup>۲</sup> می‌داند تا در آینده با مشکل مبارزه با تروریسم روبه‌رو نشود. رویکرد مصون‌سازی مربوط به وضعیتی است که یک هژمون قادر یا مایل به تأمین کالاهای عمومی نباشد. در این صورت، سایر کشورها تلاش می‌کنند تا خود از راه سازوکارهای دیگر آن‌ها را برآورده سازند (Tessman, 2012: 203-211). در سیاست خارجی آمریکا غلبه گفتمان مبارزه با ترور پس از یازده سپتامبر موجب شد این کشور به منظور مقابله با طالبان به افغانستان حمله کند. این مسئله به حضور گسترده آمریکا در کشورهای آسیای مرکزی و استفاده از پایگاه‌های نظامی در خاک این کشورها منجر شد. اما در سال‌های اخیر آمریکا در سیاست‌های اعلامی خود هدف خود مبنی بر خروج را اعلام کرده است. برای نمونه، باراک اوباما تصمیم داشت نیروهای خود را تا سال ۲۰۱۴ از افغانستان خارج کند. در چنین شرایطی، سازمان شانگهای سازوکار چندجانبه‌ای را فراهم می‌کند تا دستور کار مبارزه با تروریسم همچنان تداوم پیدا کند.

البته این نکته را نیز باید گفت که راهبرد چین به راهبرد محاسبه‌شده و مبتنی بر حداکثرسازی محدود<sup>۳</sup> است، یعنی در صورتی که چین در حال افزایش نفوذ خود است تلاش می‌کند تا از واکنش دیگر کنشگران نیز جلوگیری کند؛ چراکه چنین سیاستی از سوی دیگران می‌تواند موجب توقف یا تأخیر رشد این کشور شود. بنابراین، جهت‌گیری این راهبرد به سوی متقاعدکردن آمریکا و دیگر قدرت‌های بزرگ به این است که ظهور چین نه تنها اجتناب‌ناپذیر، بلکه مطلوب باشد و نقش ثبات‌ساز در سطح جهانی و منطقه‌ای داشته باشد تا از پیگیری سیاست مهار از سوی آن‌ها جلوگیری کند (Fiammenghi, 2011: 148).

- 
1. Public Good
  2. Hedging Strategy
  3. Constrained Maximization

۳. رقابتی‌تر شدن روابط با روسیه در چارچوب سازمان همکاری شانگهای: اگر به تاریخ سازمان شانگهای توجه شود می‌توان روابط همکاری‌جویانه چین و روسیه و تلاش دو کشور برای همکاری را مشاهده کرد؛ اما پس از گذشته بیش از یک دهه که جایگاه چین در نظام بین‌الملل تغییر کرده است روابط دو کشور در چارچوب سازمان حالتی رقابت‌جویانه‌تر به خود گرفته است. البته با توجه به این سیر، می‌توان رشد روابط دو کشور در ابعاد مختلف به‌ویژه بعد اقتصادی را مشاهده کرد. در سال‌های اخیر با آنکه فشار غرب موجب به‌کارگرفتن رویکرد «حرکت به سوی آسیا» توسط روسیه شده است و دو کشور در سال ۲۰۱۴ موافقت‌نامه «مشارکت جامع راهبردی» امضا کردند؛ اما به مرور نگرانی‌های روسیه نسبت به افزایش نفوذ چین در کشورهای آسیای مرکزی نیز بیشتر شده است. در واقع، سیاست خارجی نوین چین نیز که به دنبال افزایش حضور خود به‌ویژه در حوزه اقتصادی در کشورهای خارج نزدیک روسیه است می‌تواند موجب کاهش نفوذ روسیه در این کشورها شود. این افزایش نگرانی‌ها خود را در روابط دو کشور در چارچوب سازمان همکاری شانگهای نیز نشان داده است. مخالفت روسیه با طرح‌های چین همچون تأسیس بانک اقتصادی زیرمجموعه سازمان یا تلاش مسکو برای عضویت دائمی هند در سازمان را می‌توان در همین زمینه ارزیابی کرد.

شایان توجه اینکه روسیه شانگهای را یک رژیم امنیتی با بعد نظامی قوی می‌داند؛ اما چین رویکردی کل‌گرا دارد و به دنبال توسعه یک سازمان اقتصادی و هویت دیپلماتیک برای آن است. یکن نسبت به مسکو تمایل کمتری برای استفاده از ابزارهای نظامی سخت و رویارویی با مداخله خارجی دارد (Lanteigne, 2018: 127-129). برای نمونه، در نشست ۲۰۱۵ سازمان، پیشنهاد وزیر دفاع روسیه که این سازمان باید به اتحادی رسمی تبدیل شود که بتواند از انقلاب‌های رنگی در اوراسیا جلوگیری کند با واکنش سرد از سوی چین روبه‌رو شد (Blank, 2015).

۴. اعلام تمایل به عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای: ایران از سال ۲۰۰۸ تمایل خود به عضویت دائم در این سازمان را اعلام کرده است که در آن زمان سازمان اظهار داشته است که هر کشوری که در تحریم‌های سازمان ملل باشد نمی‌تواند در سازمان عضویت دائم داشته باشد (Wu and Li, 2010). چین با وجود مخالفت‌های پیشین در سال گذشته در خصوص عضویت دائم ایران در شانگهای اعلام تمایل کرده است.<sup>۱</sup> البته امضای توافق هسته‌ای ایران زمینه را برای لغو تحریم‌ها و ادغام ایران در نظام بین‌الملل فراهم آورد. بنابراین نوع تعامل ایران با جامعه بین‌المللی از محرک‌های مهم حمایت چین از عضویت ایران بوده است و بی‌تردید امضای برجام عامل تسهیل‌کننده حمایت چین بوده است. در کنار این مسئله باید به طرح‌های

۱. برای نمونه، معاون وزیر خارجه این کشور اعلام داشت که «چین از عضویت دائم ایران استقبال و حمایت می‌کند» (Fulton, 2018).

منطقه‌ای چین نیز اشاره کرد. ایران به سبب موقعیت جغرافیایی خود نقطه پیونددهنده شرق و غرب است که این مسئله برای پیشبرد طرح‌های اقتصادی جدید چین اهمیت زیادی دارد. بنابراین عضویت دائم ایران در سازمان شانگهای می‌تواند زمینه همکاری‌های بیشتر میان دو طرف و افزایش پیوندهای منطقه‌ای با محوریت چین را فراهم آورد.

### نتیجه

تلاش برای کاهش تنش مرزی با کشورهای آسیای مرکزی و کاهش خطر افراط‌گرایی، تروریسم و جدایی‌طلبی و تأمین نیازهای انرژی از دلایل اصلی چین برای تأسیس سازمان همکاری شانگهای به شمار می‌رفت؛ اما به مرور و هم‌زمان با رشد چین انتظارهای این کشور از سازمان نیز تغییر کرده است. لزوم تداوم رشد اقتصادی و الزام‌های محیط بین‌المللی در نتیجه رشد قدرت این کشور و تلاش آمریکا برای حضور بیشتر در آسیا پاسیفیک موجب شد تا ایده‌های جدیدی از سوی رهبری این کشور مطرح شود. همچنین این کشور با ابتکارها و نهادهای چندجانبه جدید به دنبال افزایش حضور خود به‌ویژه در مناطق پیرامونی باشد. راهبرد «حرکت به سوی غرب چین» و طرح‌های اقتصادی چون «یک کمربند یک جاده» اهمیت آسیای مرکزی را برای چین بیشتر از قبل ساخت. این مسئله الزام‌های مهمی برای رویکرد این کشور به سازمان همکاری شانگهای در پی داشت: نخست چین بیش از گذشته به دنبال تقویت بعد اقتصادی سازمان بوده و به نظر می‌رسد این موضوع در آینده نیز ادامه پیدا کند، چراکه با توجه به طرح‌های اقتصادی جدید، پکن تلاش می‌کند شانگهای به‌عنوان سکویی برای پیشبرد آن‌ها عمل کند؛ دوم، تلاش چین برای افزایش حضور اقتصادی سبب شده است حفظ امنیت و ثبات، دیگر مانند گذشته فقط معطوف به جلوگیری از تسری ناامنی به سین کیانگ نباشد؛ بلکه حفظ امنیت سرمایه‌گذاری و زیرساخت‌ها در این کشورها نیز به یکی از اولویت‌های مهم چین تبدیل شود. همچنین، به سبب تمایل آمریکا به کاهش حضور در منطقه، این سازمان می‌تواند تأمین‌کننده کالای عمومی باشد که تا پیش از آن توسط آمریکا در اختیار دیگران قرار می‌گرفت؛ سوم، روابط چین و روسیه در چارچوب سازمان رقابتی‌تر شده است. برای نمونه، اگرچه روسیه پس از بحران اوکراین به دنبال نزدیکی بیشتر به چین بوده است؛ اما هم‌زمان به دنبال تقویت بعد امنیتی سازمان نیز بوده است. این در حالی است که در همین زمان چین به سبب طرح‌های جدید اقتصادی به دنبال تقویت بعد اقتصادی سازمان بوده است. در کنار این سه مسئله، باید این نکته را نیز بیان کرد که این سیاست خارجی نوین چین که ادغام منطقه‌ای در اوراسیا را در دستور کار خود قرار داده است و همچنین به دنبال پیوند با غرب از راه راهروهای اقتصادی است سبب شده است تا موقعیت ژئوپلیتیکی ایران برای پکن اهمیت

بیشتری پیدا کند. این موضوع زمینه حمایت چین از عضویت دائم ایران در سازمان شانگهای را فراهم کرده است که البته امضای توافق هسته‌ای ایران و لغو تحریم‌های سازمان ملل کاتالیزوری برای این سیاست بوده است.

## References

1. Blank, Stephen (2015), "Was the SCO Summit in Ufa a Breakthrough?", **CACI Analyst**, Available at: <https://www.cacianalyst.org/publications/analytical-articles/item/13261-was-the-sco-summit-in-ufa-a-breakthrough?.html>, (Accessed on: 18/2/2017).
2. Choo, Jaewoo (2008), "China's Multilateral Approach to World Order: Implications for Regional Cooperation, **Global Economic Review: Perspectives on East Asian Economies and Industries**, Vol. 28, No. 3, pp. 90-103.
3. Esteban, Mario (2017), "The Foreign Policy of Xi Jinping after the 19<sup>th</sup> Congress: China Strives for a Central Role on the World Stage", **Elcano Royal Institute**, Available at: <http://www.realinstitutoelcano.org/wps/wcm/connect/cf3c30c6-a9c5-4524-b099-57fa42e2bc7a/ARI87-2017-Esteban-Foreign-policy-Xi-Jinping-19th-Congress-China-central-role-world-stage.pdf?MOD=AJPERES&CACHEID=cf3c30c6-a9c5-4524-b099-57fa42e2bc7a>, (Accessed on : 5/12/2019).
4. Fiammenghi, David (2011), "The Security Curve and the Structure of International Politics, a Neorealist Synthesis", **International Security**, Vol. 35, No. 4, pp. 126-154.
5. Fulton, Jonathan (2018), "Could the SCO Expand Into the Middle East?", **The Diplomat**, Available at: <https://thediplomat.com/2018/02/could-the-sco-expand-into-the-middle-east/>, (Accessed on: 30/2/2018).
6. Gabuev, Alexander (2017), "Bigger, not Better: Russia Makes the SCO a Useless Club", Available at: <https://carnegie.ru/commentary/71350>, (Accessed on: 20/9/2018).
7. Hu, Liyan and Teer-Shing Cheng (2007), "China's Energy Security and Geo-Economic Interests in Central Asia", **Central European Journal of International and Security Studies**, Vol. 2, No. 2, pp. 42-55.
8. Hu, Richard (2004), "China and Central Asia: the Role of the Shanghai Cooperation Organization (SCO)", **The Mongolian Journal of International Affairs**, No. 11, pp. 129-151.
9. Kay, Sean (2013), "America's Asia Pivot - a Return to Realism", **Working Paper Prepared for the Center for International Security and Peace Studies**, McGill University, No. 42, pp. 1-32.
10. Kim, Tae Kyung (2015), "China's Strategic Advocacy for RCEP: Three-fold Motivations Analysis", **Paper Prepared for the International Studies**

- Association Global South Caucas Conference**, Singapore, January 8-10, pp. 1-25.
11. Ku, Miseon (2015), "The Motives and Effects of China's "New Model of Major Country Relations" in China-U.S. Relations", **Journal of International Relations and Foreign Policy**, Vol. 3, No. 1, pp. 17-42.
  12. Lanteigne Marc (2018), "Russia, China and the Shanghai Cooperation Organization: Diverging Security Interests and the 'Crimea Effect'", in: H. Blakkisrud and Others (2018), **Russia's Turn to the East, Domestic Policy Making and Regional Cooperation**, Oslo: Palgrave Pivot, Global Reordering.
  13. Li, Bin (2016), "Differences between Chinese and U.S. Nuclear Thinking and Their Origins", in: Li Bin and Tong Zhao (2016), "Understanding Chinese Nuclear Thinking", **Carnegie Endowment for International Peace**, Available at: [https://issuu.com/carnegie\\_endowment/docs/chinesenuclearthinking\\_final](https://issuu.com/carnegie_endowment/docs/chinesenuclearthinking_final), (Accessed on: 16/5/2019).
  14. Lin, Christina (2017), "The Belt and Road and China's Long-Term Visions in the Middle East", **ISPSW**, No. 512, pp. 1-10.
  15. Morrison, Wayne M. (2018), "China's Economic Rise: History, Theory, Trends, Challenges, and Implications for the United States", **Congressional Research Service**, RL33534, Available at: <https://fas.org/sgp/crs/row/RL33534.pdf>, (Accessed on: 16/5/2019).
  16. Renard, Thomas (2015), "The Asian Infrastructure Investment Bank (AIIB): China's New Multilateralism and Erosion of West", **EGMONT Royal Institute for International Relations**, No. 63, pp. 1-7.
  17. Rose, Gideon (1998), "Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy", **World Politics**, Vol. 51, No. 1, pp. 144-172.
  18. Schweller, Randall L. (2000), "Correspondence; Brother, Can You Spare a Paradigm? (or was Anybody Ever a Realist?)", **International Security**, Vol. 25, No. 1, pp. 165-193.
  19. Szanajder, Aciel Pablo (2006), "China's Shanghai Cooperation Organization Strategy", **Journal of IPS**, Vol. 5, No. 2, pp. 93-102.
  20. Tessman, Brock F. (2012), "System Structure and State Strategy: Adding Hedging to the Menu", **Security Studies**, Vol. 21, No. 2, pp. 192-231.
  21. Wu, Jiao and Xiaokun Li (2010), "SCO Agrees Deal to Expand", **China Daily**, Available at: [http://www.chinadaily.com.cn/cndy/2010-06/12/content\\_9968565.htm](http://www.chinadaily.com.cn/cndy/2010-06/12/content_9968565.htm), (Accessed on: 6/7/2015).
  22. Xi, Jinping (2013), "Let the Sense of Community of Common Destiny Take Deep Root in Neighboring Countries", **Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China**, Available at:



- [http://www.fmprc.gov.cn/mfa\\_eng/wjb\\_663304/wjbz\\_663308/activities\\_663312/t1093870.shtml](http://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/wjb_663304/wjbz_663308/activities_663312/t1093870.shtml), (Accessed on: 10/3/2017).
23. Xi, Jinping (2017), "Upholding Solidarity, Coordination, Openness and Inclusiveness Building a Common Home of Security, Stability, Development and Prosperity", **China Daily**, Available at: [http://www.chinadaily.com.cn/world/2017xivisitskazakhstan/2017-06/09/content\\_29691652.htm](http://www.chinadaily.com.cn/world/2017xivisitskazakhstan/2017-06/09/content_29691652.htm), (Accessed on: 1/8/2018).
24. Yuan, Jing-Dong (2010), "China's Role in Establishing and Building the Shanghai Cooperation Organization (SCO)", **Journal of Contemporary China**, Vol. 19, No. 67, pp. 855-869.
25. Yun, Sun (2013), "March West: China's Response to the U.S. Rebalancing", Available at: <https://www.brookings.edu/blog/up-front/2013/01/31/march-west-chinas-response-to-the-u-s-rebalancing/>, (Accessed on: 20/10/2017).
26. Zhou, Laura (2017), "Is China Chipping away at the ASEAN Bloc?", **South China Morning Post**, Available at: <http://www.scmp.com/news/china/diplomacy-defence/article/2122587/china-chipping-away-asean-bloc>, (Accessed on: 2/12/2017).